

پاسخ یک استیضاح

امیر فیض - حقوقدان

شخصی با تلفن بہ سراغم آمد و نخواست خودرا معرفی کند وابتدا بہ ساکن گفت مشکلی داشتہم با دبیرخانہ مطرح کردم گفتند بہ شما مراجعہ کنم.

خودش رامعرفی نکرد ومنہم بنا بر تجربہ ای کہ دارم سوالی نکردم.

برایم بسیار تعجب بود دبیرخانہ ومن! گفتم بفرمائید در خدمتہم، آنوقت تازہ یاد سلام واحوال پرسی افتاد وپس از قدری تعارفات معمول گفت میدانم کہ باید باشما آرام وکوتاہ صحبت کنم ولی اینہا کہ باشما میگویم حرف من نیست حرف ہمہ است اگر تحمل میکنید باشما در میان بگذارم.

شما چرا آنقدر دنبال منشور شورا ومادہ ۱۱ آن ہستید؟ در ہر نوشتہ شما این کینہ شتری شما نسبت بہ منشور وجود دارد. مثل اینکہ شما ہیچ کاری ندارید ویا اطلاع شما محدود بہ ہمین شورا است کہ ول کنش نیستید. منشور یک پیشنهاد بود وعده ای ہم امضا کردہ اند وپیشنہاد اگر قبول و اجرا نشود کہ مہم نیست، پیشنهاد اگر قبول ہم بشود مہم نیست، زیرا ممکن است قبل از اجرا فسخ شود وقتی اجرا شد آنوقت قابل بحث است.

من در یکی از برنامہ های آقای شہرام ہمایون از ایشان راجع بہ مادہ ۱۱ شورا از ایشان سوال کردم ایشان کہ شما ہم اورا قبول دارید گفت مادہ ۱۱ منشور آنقدر مہم نیست کہ برای برخی پیراہن عثمان شدہ است.

شما حقیقتا مادہ ۱۱ را پیراہن عثمان کردہ اید آخر چرا جلوی یک حرکت نجات بخش راسد میکنید آنہم با این حرارت وپشتکار، من نمیتوانم بگویم کہ شما از این حرکت منتفع مالی میشوید سن وسال ووضع سلامتی شما ہم کہ نمیتواند مسئلہ جاہ طلبی ومقام رامطرح کند

گفتم اعتراضات راشنیدم بطریق معمول مفتخر بہ عرض پاسخ خواہم شد واکنون پاسخ استیضاح

اشتباه بزرگ

اعلام رضایت است نہ پیشنهاد

اشتباه بزرگی کہ برامضا کنندگان قطعنامہ شورای بہ اصطلاح ملی! غالب آمدہ این است کہ قطعنامہ علی الخصوص مادہ ۱۱ آنرا پیشنهاد میداند در حالیکہ **چنین نیست یعنی پیشنهاد نیست واعلام رضایت وموافقت است.**

پیشنہاد، نسبت بہ موردی اطلاق میشود کہ سابقہ پیشنهادی نداشتہ باشد مانند جنگ باکشوردیگر ویا برچیدن مساجد ویا فروش خانہ خود.

از آنجا که تجزیه کشور که موضوع ماده ۱۱ قطعنامه است امری با سابقه و سالهاست که بصورت خواست و پیشنهاد مطرح بوده است، لذا ماده ۱۱ قطعنامه شورای به اصطلاح ملی! اعلام رضایت نسبت به پیشنهادات سابقه در رابطه با تجزیه و خودمختاری است نه پیشنهاد.

در کلام حقوقی - پیشنهاد تجزیه کشور و خودمختاری مناطق ایران، ایجابی است که سالها از سوی

تجزیه کنندگان کشور مطرح ولی مورد قبول واقع نشده بود و اکنون از طریق قطعنامه شورای به اصطلاح ملی! با امضای شخصیت های ایرانی پُرنام خارج از کشور قبول آن اعلام گردیده و بنابراین مفهوم قطعنامه و ماده ۱۱ آن از نظر ایجاب و قبول که از ارکان اصالت معامله و عقد است انجام گردیده و طرفین در انتظار فرصتی برای اجرا یعنی تجزیه ایران هستند.

امید وارم قانع شده باشیم که قطعنامه شورا پیشنهاد نیست و حتما یک اعلام رضایت عمومی همراه با امضاست که رضایت عمومی را بصورت سند در آورده است.

استیضاح کننده محترم

خطر در ایجاب، یعنی پیشنهاد تجزیه ایران، نیست چرا که سالهای سال است که از سوی تجزیه طلبان ایرانی و کشورهای خارجی و در راس آنها اسرائیل و آمریکا موضوع تجزیه ایران نه تنها بصورت پیشنهاد بلکه همراه با اقداماتی همراه بوده است که همواره مورد مخالفت سخت ایرانیان و دولت های وقت قرار گرفته. **خطر در اینجا است که برای اولین بار در طول تاریخ مشروطیت تا کنون بصورت یک قطعنامه مزین به امضای اعلیحضرت و علیاحضرت و همسر محترم اعلیحضرت با پیشنهاد و اقدامات تجزیه ایران، اعلام موافقت و حقانیت شده است.**

استحکام اعلام رضایت

از آنجا که قانونگذار میدانسته که در مواردی ممکن است اعلام رضایت (قبول در معامله) متضمن اکره، غبن، تدلیس و اشتباه و امثال آنها باشد، این حق را برای قبول کننده معامله (اعلام رضایت کننده) قائل شده است که از اعلام رضایت و موافقت خود عدول کند (اصطلاح حقوقی خیار).

متأسفانه با همه تذکرات و استدلالات و توضیحات نسبت به قطعنامه خاصه ماده ۱۱ آن امضا کنندگان قطعنامه تکان فکری نخوردند، و با تأسف بیشتر در همین روزها که **عده ای بانام منتقدین از شورا صفی تشکیل داده، انتقاد خودشان را محدود به نحوه انتخابات داخلی شورا نموده اند و هیچ اشاره ای به ماده ۱۱ و یا قطعنامه نکرده اند.** و این مراتب میتواند در مفهوم حاوی این پیام باشد که **امضا کنندگان قطعنامه با قصد و رضای کامل و آگاهی به نتایج آن، قطعنامه را امضا و به تجزیه کشور رضایت داده اند.**

آری این نگرانی هاست که سبب شده و میشود تا موضوع قطعنامه و ماده ۱۱ آن دایما در محیط توجه و دلهره و وحشت از آینده قرار گیرد و این پیگیری برای کسانی همانند آقای شهرام همایون (بنقل قول استیضاح کننده) باعث حیرت و به پیراهن عثمان تشبیه شده است.

آقایان امضا کنندگان قطعنامه

هرچہ زمان بگذرد اعلام رضایت شما بہ تجزیہ ایران محکم واستوارتر میشود، این شما و این توضیحات، و این شما و آن قطعنامه ومادہ ۱۱ آن.

شما فکر میکنید اگر در خانہ ای کہ ساکنین آن ہمہ مردہ اند را مرتباً بزنیید کسی زندہ میشود وبگوید کیستی وچہ میگوئی؟

ماینانیان خارج ازکشوراکثرمان نسبت بہ مسائل اساسی وهوییتی کشورمان چنان خوابیم کہ گوئی مردہ ایم. آیا ناقوس شرافت میهنی ممکن است ما را بیدارکند؟ نمیدانم. ولی میدانم کہ تنها چیزی کہ بخواب نمیروید وجدان است.

برای استحضار بیشتر استیضاح کننده

استیضاح کننده مدعی است، >مادام کہ پیشنهاد ازقوہ بہ فعل درنیامدہ یک کاغذ است و آثاری برای آن نیست<

آری این امر درمورد پیشنهادات حقوقی نافذ است مانند پیشنهاد فروش خانہ ویا عقد ازدواج کہ تا بصورت عقد کامل درنیاید آثاری بر آن پیشنهاد متوجہ نیست و ملک همچنان درید پیشنهاد دہندہ خواهد بود.

اما پیشنهادات خلاف قانون بہ مجرد اعلام ویاروی کاغذ آمدن تبدیل بہ جرم میشود. کسیکہ پیشنهاد حملہ بہ یک بانک و یا ترورشخصی را میدہد، فصل اجرا وقبول آن یکطرف، و فصل پیشنهاد دادن آن فصل دیگری است کہ وجہ مشترک بین آنها جرم ومجازات است.

اجازہ بدہید یک مثال برای تمرکز فکربعنوان ہدیہ بہ استیضاح کننده دادہ شود.

مردی بہ دوستانش پیشنهاد میکند کہ برای سرگرمی وعشقبازی ازہمسرش استفادہ کنند، بعقیدہ استیضاح کننده مادامی کہ پیشنهاد عمل نشود پیشنهاد اشکالی ندارد! خوب آیا باور و شرافت عمومی ہم میگوید اشکالی ندارد یا بہ مجرد عنوان چنین مطلبی شوہر آن زن بہ قرمساقی وبی شرافتی ورسوائی وطرد جامعہ خاص وعام میشود.

بالاحترام امیر فیض

- رونوشت این لایحہ برای آقای شہرام ہمایون بمناسبت نقل قولی کہ ازایشان شدہ ارسال میگردد